

غیر جاهل ها را فقط باید در وزارت نفت جستجو کرد!

توضیح زیر از سوی روابط عمومی وزارت نفت رسیده است که عیناً درج می شود و در انتها نیز نظریات اجمالی هیأت تحریریه گزارش از نظر خوانندگان گرامی می گذرد:

بسمه تعالی

در مقاله ای که تحت عنوان «طلای سیاه می دهیم بلای سیاه می گیریم» به قلم آقای انور خامه ای در آبان ماه در ماهنامه گزارش درج گردیده است، خطاهای فاحشی وجود دارد و به جهت برداشت نادرست نگارنده محترم از چارچوب قراردادهای بیع متقابل و تکیه بر اطلاعات مخدوش که مشخص نیست از کدام منبع اخذ شده محتوای گزارش از واقعیت عاری شده است به گونه ای که هر خواننده ای را به تردید می اندازد که مبادا در این کشور قراردادهایی منعقد می شوند که وزارت نفت، دولت و مجلس از آن بی اطلاع هستند! و یا دولت، مجلس و وزارت نفت دیگری در کشور وجود دارد که غیر از نگارنده کسی از آن اطلاع ندارد. از این جهت خالی از لطف نیست اگر که برخی از مطالبی که روابط عمومی وزارت نفت در خصوص قراردادهای بیع متقابل بارها درج نماید کشور منعکس نموده است را مجدداً تکرار نمایم. اما پیش از این جادار دمتذکر شویم که بررسی سیر تاریخی تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همواره به منظور درک بهتر واقعیات و عبرت گرفتن از گذشته صورت می گیرد حال چگونه گزارش ها و تحلیل های تاریخی نویسنده ای که واقعیت ها را وارونه می بیند، می تواند دارای اعتبار باشد؟

نگارنده بدون شناختی در خور، از قراردادهای بیع متقابل به مقایسه آن با قرارداد داری برداشته و طعن می زند که «صدرحمت به قرارداد داری» و بعد با توسل به قوانین کشوری مبنی بر اینکه «بهره برداری از منابع نفتی باید در اختیار ملت

ایران باشد و بیگانگان تنها مستخدم دولت ایران هستند... و هر کس بدون اجازه و تصویب مجلس شورا به عقد چنین قراردادهایی دست بزنند مستحق مجازات است.» نتیجه می گیرد که این قراردادها از درجه اعتبار ساقطند.

حیرت انگیز است که این تصور موهوم که عقد این قراردادها بدون اطلاع مجلس صورت گرفته و غیرقانونی است از کجا استنباط شده است؟ آیا مجلس و دولت و... همه بی اطلاعند و عده ای خودسرانه به عقد قراردادهای مبادرت ورزیده اند یا دولت جمهوری اسلامی که حتی غیر منصف ترین مخالفان آن به استقلالش اذعان دارند آنچنان خود فروخته است که پای قراردادهایی را که از امتیاز داری بدترند امضاء می کند؟! جالب است که نگارنده محترم بین میادین نفت و گاز، گاز مایع و میعانات گازی تمایزی قائل نشده است و به کرات مسائل پیرامون این مفاهیم را بدون تمایز مورد نقد قرار داده است. ایشان در خصوص شرایطی که قرار است بازپرداخت مطالبات شرکت خارجی از محل میعانات صورت گیرد آورده اند که «سرمایه گذاری، عملیات استخراج و بهره برداری انتقال گاز، تبدیل آن به گاز مایع و صدور آن به خارج) از سوی کنسرسیوم انجام می شود...»

تاکنون بارها اعلام شده است که در چارچوب قراردادهای بیع متقابل شرکت خارجی تنها پیمانکار محسوب می شود و حق حاکمیت، مالکیت، بازاریابی و... به ایران تعلق دارد. پس از این که میدان به مرحله تولید می رسد - چه نفتی و چه گازی - کلیه حقوق میدان اعم از استخراج، تولید، بهره برداری، بازاریابی و فروش متعلق به دولت ایران است و پیمانکار تنها از محل فروش محصول تولید شده، توسط ایران براساس قیمت روز، مطالبات خود را دریافت می دارد با این وجود

ایران باشد و بیگانگان تنها مستخدم دولت ایران هستند... و هر کس بدون اجازه و تصویب مجلس شورا به عقد چنین قراردادهایی دست بزنند مستحق مجازات است.» نتیجه می گیرد که این قراردادها از درجه اعتبار ساقطند.

نگارنده بی محابا نوشته است که «شرکت ملی نفت ایران عملاً هیچ دخالتی در عملیات استخراج، بهره برداری، انتقال و صدور محصول ندارد» و آن را با قراردادهای امتیازی نظیر داری مقایسه می کند.

علی رغم اینکه بارها اظهار شده که در قراردادهای بیع متقابل شرکت ملی نفت بر کلیه مراحل خرید تجهیزات، سرمایه گذاری و عملیات انجام شده نظارت کامل دارد با این وجود ایشان می نویسند «سرمایه گذاری! عملیات استخراج و... از سوی کنسرسیوم انجام می شود و مقامات ایرانی دخالتی در آن ندارند»

شایان توجه است که در مورد فازهای ۲ و ۳ پارس جنوبی - که مورد توجه ایشان بوده - به واسطه نظارت مؤثر شرکت ملی نفت ایران تاکنون ۴۰۰ میلیون دلار هزینه های سرمایه ای - و به تبع هزینه های بهره ای مترتب بر آن - کاهش یافته است.

منتقد محترم در جای دیگر «از پایان یافتن منابع میادین پس از پایان یافتن مدت قرارداد سخن می راند» به منظور آگاهی ایشان خاطر نشان می شود:

میدان گازی پارس جنوبی بابت ۱۲ تریلیون متر مکعب ذخائر گازی و ۱۷ میلیارد بشکه میعانات گازی را در خود جای داده است، و فازهای ۲ و ۳ طرح توسعه این میدان که مورد اشاره ایشان واقع شده است تنها دو فاز از فازهای متعدد این میدان است و در طول مدت ۱۱ ساله قرارداد حتی ۲ درصد گاز میدان هم استخراج نخواهد شد.

از طرف دیگر با وجود اینکه مراحل تصویب خواهی قراردادهای بارها و بارها در جراید منعکس شده، ایشان از عدم اطلاع مجلس و غیرقانونی بودن قراردادها سخن به میان می آورند حال آن که مراحل تصویب خواهی یک قرارداد چنان که بارها

گفته شد، به شرح زیر است:

۱- براساس بررسی های کارشناسی ضرورت انجام یک پروژه توسط وزارت نفت صورت می گیرد.

۲- کلیه طرح های نفتی یا مشخصات کامل ابتدا در کمیسیون های نفت و برنامه و بودجه به طور تفصیلی مورد بررسی و مذاقه قرار می گیرد و سپس در صحن علنی مجلس شورای اسلامی مطرح و به تصویب می رسد.

۳- پس از آن مقدمات برگزاری مناقصه در سطح داخلی و بین المللی فراهم می شود و برنده مناقصه تعیین می گردد.

۴- جهت تصویب توجیه فنی و اقتصادی، هر پروژه ابتدا در کمیسیون شورای اقتصاد مطرح و سپس برای تصویب به شورای اقتصاد ارسال می شود.

۵- بر امضاء قراردادهای نفت و گاز کمیسیونی (متشکل از ۲ نماینده مجلس به انتخاب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی، نماینده محترم رئیس جمهوری و نمایندگان ارشد سازمان برنامه

و بودجه، وزارت اقتصاد و دارائی وزارت امور خارجه و وزارت نفت) با ناه کمیسیون نظارت بر قراردادها، نظارت کامل دارد.

۶- در کلیه مراحل انجام کار گزارشاتر به مجلس شورای اسلامی، کمیسیون مربوطه و رئیس جمهوری محترم ارسال می شود.

۷- مراجع نظارتی کشور همچنین دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور نیز پس از امضای این قراردادها اختیارات نظارتی خود را برای کنترل صحت و سلامت قراردادها و صلاح و صرفه اقتصادی آنها دارا می باشند.

۸- بدیهی است که در یک از مراحل اگر در گزارشاتر وزارت نفت ابهامی وجود داشته باشد وزارت نفت ملزم به رفع آن است.

در پایان به اطلاع نویسنده محترم می رساند: پس از انقلاب اسلامی هم ساختار حاکمیت کشور و هم مناسبات فنی و اقتصادی دستخوش تحولی ژرف شده اند و امروز سخن گفتن نیاز به دانش و آگاهی بیشتری دارد. با این همه بنظر می رسد که این شما و همفکران شما

هستند که بی هیچ تغییری در شیوه تفکر، خود را از دستیابی به دانش و آگاهی بیشتر بی نیاز می دانند و از در و دیوار این مرز و بوم بوی توطئه استشمام می کنند.

خوبست کمی با خود اندیشه کنید. آیا واقعاً این «نفت» است که باید «بلای سیاه» نام بگیرد یا «جبل و جاهل انگاری دیگران» است که «پاشنه آشیل» و «بلای سیاه» این ملت است؟

وزارت نفت از هر نقد و بحث علمی که در زمینه وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران در جراید کشور انعکاس یابد، استقبال می نماید. اما انتظار دارد که یک مقاله انتقادی حداقل از اطلاعات درست و انصاف برخوردار باشد.

تحریریه گزارش - نامه روابط عمومی وزارت نفت که در آن با عناوینی نازیبنده، به نظریات یکی از نویسندگان و پژوهشگران پرسابقه و سرشناس کشور پاسخ داده شده، زمانی رسید که امکان چاپ همزمان مستندات و ادله آقای دکتر انور خامه ای با این پاسخ نامه وجود نداشت و اذا

ما برای رعایت قانون، پاسخ وزارت نفت را چاپ کردیم. طبیعی است که حق آقای دکتر انور خامه ای برای پاسخگویی متقابل محفوظ خواهد بود.

اما برای خالی نبودن عریضه یادآور می شویم قراردادهای بیع متقابل در زمینه نفت و گاز به یک سان مورد ایراد همه جناح های سیاسی و اهل تخصص است، پس لابد همه منتقدان جاهلند و غیر جاهل ها را فقط باید در وزارت نفت جستجو کرد! برای نمونه، نظریات یکی از ایرادگیران به قراردادهای بیع متقابل را به عنوان «مشت نمونه خروار» در زیر می آوریم و داوری را به اهل انصاف و خرد واگذار می کنیم:

دیروز خانم رضازاده عضو کمیسیون انرژی در پاسخ به سؤال خبرنگار ما در خصوص چونگی قراردادهای نفتی گفت: امروز جلسه ای در کمیسیون انرژی با کارشناسان نفتی خارج از مجلس و دولت در این رابطه داریم، زیرا نسبت به این قراردادها خصوصاً بیع متقابل در افکار عمومی شیباتی وجود دارد از جمله این که ممکن است این قراردادها منابع ملی را به خطر بیندازد.

وی در پاسخ به این سؤال که اساساً قراردادهای نفتی از نوع بیع متقابل را قبول دارید؟ گفت: این قراردادها به شرطی که اشتغال زا و در انتقال دانش فنی مؤثر باشد، به نفع ماست و الا جز ضرر برای ما چیز دیگری ندارد.

این عضو کمیسیون انرژی خاطر نشان کرد: در صورتی که موانع سرمایه گذاری خارجی در مصوبه مجلس از بین برود، ممکن است روش های بهتری را نسبت به قراردادهای بیع متقابل پیدا کنیم.

وی افزود: من از سیاستگزاری های وزارت نفت گله دارم و فکر می کنم آنها برای این که راحت تر کارها را به پیش ببرند، یکسره منابع ما را در اختیار خارجی ها گذاشته اند، در صورتی که مصالح ما ایجاب می کند در این قراردادها، مشارکت داخلی هم وجود داشته باشد.

روزنامه حیات نو - ۷۹۶۲۴

دوره به علاتمندان شماره های

گزارش

اعدادی از دورهای ماهانه گزارش

صفافی شده با جلد زر گوی

نسخه آماده توزیع می باشد

توجه:

دوره سوم، چهارم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم و نهم

موجود است